

A New Perspective on the Production and Use of Weapons of Mass Destruction in States of Necessity from the Viewpoint of Imamiyyah Jurisprudence (A Critical Analysis of Evidence with a Social and Governmental Approach to Jurisprudence)¹



Alireza Norouzi¹  Hossein Najafi² 

1. Level 4 Seminary Student and Ph.D. Graduate of the University of Tehran; Instructor of Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author).
norozialireza276@yahoo.com
2. Level 3 Seminary Student and Ph.D. Candidate at the University of Tehran;
Instructor of Islamic Studies, Kharazmi University, Tehran, Iran.
tajally72@gmail.com

Abstract

Despite Islam's strong emphasis on justice and peace, it places great importance on society and considers both individual and social aspects in the establishment of justice. Since the realization of social justice requires both law and authority, Islamic teachings also pay special attention to these dimensions. This study examines the concept of desirable social authority from an Islamic perspective and, given the extensive military threats posed by global powers against the Islamic community, explores whether, in a state of necessity—where an enemy uses weapons of mass destruction—producing, stockpiling, and using such weapons for

1. **Cite this article:** Norouzi, A., & Najafi, H. (2025). A new perspective on the production and use of weapons of mass destruction in states of necessity from the viewpoint of Imamiyyah jurisprudence (A critical analysis of evidence with a social and governmental approach to jurisprudence). *Journal of Fiqh*, 31(119), 40–73. <https://doi.org/10.22081/jf.2025.64514.2534>

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). ***Type of article:** Research Article

▣ **Received:** 17/01/2023 • **Revised:** 13/03/2023 • **Accepted:** 05/02/2025 • **Published online:** 27/02/2025

© The Authors



deterrence, retaliation, halting aggression, and maintaining societal stability is permissible. Employing conceptual, propositional, and systemic analysis, this research reaches a conclusion differing from previous studies, arguing that Islamic legal evidence indicates the permissibility of using such weapons in cases of necessity. Consequently, the production and stockpiling of these weapons for the aforementioned purposes are deemed permissible.

Keywords

Weapons of mass destruction, nuclear weapons, retaliation, legitimate defense, arms stockpiling, emergency conditions.

نگاهی نو به تولید و استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی در حالت اضطرار، از دیدگاه فقه امامیه (نقد و بررسی ادله، با رویکرد اجتماعی و حکومتی به فقه)*



ID^۱ علیرضا نوروزی ID^۲ حسین نجفی

۱. طلبه سطح ۴ حوزه علمیه و دانش‌آموخته دکتری دانشگاه تهران؛ مربی دروس معارف دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

norozialireza276@yahoo.com

۲. طلبه سطح ۳ حوزه علمیه و دانشجوی دکتری دانشگاه تهران؛ مربی معارف دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
 tajally72@gmail.com

چکیده

تعالیم دین مبین اسلام با تمام تأکیدی که بر اجرای عدالت و صلح دارد، اهمیت بسیاری برای جامعه قائل بوده، و برای برقراری عدالت، هر دو بستر فرد و اجتماع را در نظر می‌گیرد؛ و از آنجاکه در تحقق عدالت اجتماعی، دو عنصر قانون و اقتدار لازم است، آموزه‌های اسلام توجه ویژه‌ای به این ابعاد نیز دارد. تحقیق حاضر در راستای بررسی ابعاد اقتدار اجتماعی مطلوب از منظر اسلام، و با توجه به تهدیدات وسیع مستکبران از حیث نظامی که جامعه اسلامی با آن مواجه است، به جستاری پیرامون این مسئله پرداخته که در فرض اضطرار و استفاده دشمن از سلاح کشتار جمعی، و جهت مقابله به مثل،

* **استناد به این مقاله:** نوروزی، علیرضا؛ نجفی، حسین. (۱۴۰۳). نگاهی نو به تولید و استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی در حالت اضطرار، از دیدگاه فقه امامیه (نقد و بررسی ادله، با رویکرد اجتماعی و حکومتی به فقه). فقه، ۳۱(۱۱۹)، صص ۴۰-۷۳.

<https://doi.org/10.22081/jf.2025.64514.2534>

▣ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسندگان

▣ تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۷ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۱۲/۲۲ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۷ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۲/۰۹



بازدارندگی، توقف دشمن و حفظ آرامش جامعه، آیا استفاده از این سلاح‌ها، تولید و انباشت آنها جایز است یا خیر؟ این تحقیق با روش تحلیل مفهومی، گزاره‌ای و سیستمی به حل این مسئله پرداخته، و برخلاف تحقیقات پیشین به این نتیجه رسیده است که ادله شرعی، دلالت بر جواز استفاده از این سلاح‌ها در صورت اضطرار دارد، و از این رو تولید و انباشت آن، به منظور اهداف اشاره شده مجاز است.

کلیدواژه‌ها

کشتار جمعی، سلاح اتمی، مقابله به مثل، دفاع مشروع، انباشت سلاح، شرایط اضطراری.

بیان مسئله

گرایش به صلح و آرامش از امور فطری بوده، و دین مبین اسلام، همسو با این امر فطری، صلح را مطلوب بالذات تلقی می‌کند؛ اما هم عقل و هم فطرت، در شرایطی خاص همانند دفاع از مرزهای اسلامی در برابر هجوم کفار، دفاع و جهاد را جایز بلکه لازم می‌دانند. بی‌تردید جهاد در اسلام هرگز به‌منظور کشورگشایی و قدرت‌طلبی نبوده و نیست، بلکه برای اقامه توحید و عدالت و زدودن زنگارهای شرک و ظلم از مستضعفان تشریح شده است؛ و این امر، منافاتی با مطلوب بالذات بودن صلح در اسلام ندارد، بلکه در راستای صلح بوده، و طریقی برای دستیابی به آن است. از این رو نمی‌توان حرمت جهاد را به‌عنوان اصل اولی در فقه اسلامی نتیجه گرفت؛ چراکه صلح و جنگ، دو موضوع مختلف، و هر کدام دارای شرایط خاص خود هستند.

برای پرداختن به این مسئله ابتدا دانستن موضع کلی اسلام پیرامون صلح و جنگ، ضروری می‌نماید، تا بتوان با انگاره‌ای صحیح از موضع اسلام در قبال این امور، به حل مسئله استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی پرداخت. مسئله این تحقیق پیرامون استفاده (همچنین تولید و انباشت) از سلاح‌های کشتار جمعی در جنگ با کفار در صورت اضطرار و اختیار است؛ ولی تمرکز این مقاله، بر فرض اضطرار است؛ چراکه به نظر می‌رسد این فرض بیشتر محل بحث و ابتلای جامعه اسلامی معاصر است.

ثمره بحث به‌طور خاص در آنجا روشن می‌شود که بنابر پذیرش جواز در حالت اضطرار، ضروری است حکومت اسلامی زمینه‌سازی لازم برای چنین وضعیتی احتمالی‌ای را تدارک ببیند؛ که شامل تولید و انباشت، یا آمادگی کافی از لحاظ علمی و تکنولوژی برای تولید آن نیز می‌شود؛ که بسیار مورد ابتلای جامعه حاضر است؛ و این امر، ضرورت تحقیق را بیش از پیش نمایان می‌سازد.

پیشینه تحقیق: با توجه به مستحدث بودن سلاح کشتار جمعی، این مسئله در کتب فقه‌های متقدم مشاهده نمی‌شود، ولی ایشان در کتب فقهی خود ذیل کتاب جهاد، به ابعاد و مسائل مختلف این موضوع پرداخته‌اند (برای نمونه ر.ک: طوسی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۲۸۹؛ عاملی،

۱۳۸۸ق، ج ۱، ص ۲۱۶؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۳۲) که می‌توان برداشت‌هایی از مکتوباتشان برای مسئله این تحقیق، استفاده نمود؛ به‌عنوان نمونه استدلال‌ات ایشان در مسئله انتشار سم به‌هنگام جهاد با کفار، می‌تواند برای بحث سلاح کشتار جمعی، راهگشا باشد. دانشوران متأخر فقه نیز در منابع فقهی به مسئله سلاح کشتار جمعی و ابعاد گوناگون آن پرداخته‌اند (برای نمونه ر.ک: امام خامنه‌ای، ۱۳۸۹؛ بهجت، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۲۹۹). همچنین در دوران معاصر مقالاتی چون «تولید و استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی از دیدگاه فقه اسلامی»، نوشته آیت‌الله محمدجواد فاضل لنکرانی، «بررسی ادله جواز یا حرمت تولید و انباشت سلاح‌های کشتار جمعی»، اثر مهدی ربانی، «به‌کارگیری سلاح کشتار جمعی از منظر فقه و حقوق بین‌الملل»، به‌قلم رضیه افضل‌زاده، «ممنوعیت فقهی استفاده از سلاح کشتار جمعی در شرایط اضطرار جنگی»، نوشته ابوالقاسم علیدوست، و «ارزیابی تزام ممنوعیت به‌کارگیری سلاح‌های کشتار جمعی با موارد اضطرار» که توسط وحید واحد جوان به رشته تحریر درآمده است، از پیشینه‌های پژوهشی این تحقیق محسوب می‌شود؛ که نتیجه و دستیافت همه این مقالات، «حرمت حتی در صورت اضطرار» است، درحالی‌که نتیجه این جستار، «جواز در فرض ضرورت و انحصار» است. به‌عنوان نمونه آیت‌الله علیدوست با بررسی قواعد فقهی از قبیل قاعده تزام اهم و مهم و قاعده اضطرار، جریان این ادله را در فرض مذکور، نپذیرفته و قائل به حرمت مطلق شده است. بنابراین وجه تمایز این نوشتار **اولاً** در تمرکز بر مسئله استفاده از سلاح کشتار جمعی در صورت اضطرار، و **ثانیاً** رویکرد اجتماعی مبتنی بر اصول فقه سنتی و جواهری در مقام نقد و بررسی ادله، و ارائه استدلال‌ها و رهیافت‌های نوآورانه، و **ثالثاً** رویکرد انتقادی نسبت به مقالات پیشین، و دستیابی به نتایج متفاوت نسبت به این مقالات است.

۱. اصطلاح پژوهی

۱-۱. سلاح کشتار جمعی

در ابتدا باید به تحلیل مؤلفه اصلی این نوشتار، یعنی سلاح کشتار جمعی پرداخت، و معنای آن را تبیین و تعریف نمود. برخی در تعریف سلاح کشتار جمعی چنین

می‌نگارند: «سلاح کشتار جمعی آن است که اولاً قدرت تخریب زیادی دارد، و ثانیاً بدون تفکیک، هم نظامیان و هم غیرنظامیان را از بین می‌برد، از این رو آثار تخریبی آن محدود به میدان و زمان جنگ نمی‌شود، و به غیرنظامیان نیز آسیب می‌زند» (فاضل لنگرانی، ۱۳۹۲، ص ۷).

البته ممکن است سلاحی چون موشک تمام معیارهای مذکور در تعریف ایشان را داشته باشد (به‌عنوان مثال، قدرت تخریب زیاد داشته و بدون تفکیک عمل کند، و متعرض غیرنظامیان نیز بشود، و همچنین تأثیرش محدود به زمان جنگ نشود)، ولی نمی‌توان آن را مصداق سلاح کشتار جمعی دانست، و در عرف نظامی یا سیاسی نیز سلاح کشتار جمعی به حساب نمی‌آید.

برخی دیگر از محققان می‌گویند: «سلاح کشتار جمعی به جنگ‌افزایی گفته می‌شود که قابلیت کشتن تعداد بسیاری از انسان‌ها، و وارد آوردن خسارات زیاد به محیط‌زیست را دارد. برای تشخیص این سلاح‌ها دو ملاک وجود دارد: قدرت تخریب بسیار بالا، و اهداف غیرقابل تحدید و پیش‌بینی. با توجه به این دو ملاک، در حال حاضر تنها سه نوع سلاح کشتار جمعی وجود دارد: سلاح اتمی، شیمیایی و بیولوژیک (ربانی و روحانی، ۱۳۹۹، ص ۸۹).

به نظر می‌رسد مراد از سلاح کشتار جمعی عرفاً واضح بوده، و نقض و ابرام زیاد در تعریف آن، فایده‌چندانی در بر ندارد؛ در عین حال تعریف فوق قابل قبول است، چراکه قید «اهداف غیرقابل تحدید و پیش‌بینی» مواردی چون موشک را از تعریف خارج می‌کند، چون سلاح‌هایی مثل موشک، قابلیت تحدید اهداف را دارند، اما سلاح‌های کشتار جمعی به دلیل وسعت دایره تخریب، فاقد چنین قابلیت‌هایی هستند.

۱-۲. اضطرار

اضطرار در لغت مصدر باب افتعال از ریشه «ضرر» و به معنای ناچار بودن از پذیرش ضرر و آسیب است، و اسم مصدر آن «ضرورت» است. ضرورت یعنی نیاز شدیدی که برآورده‌نشدن آن ممکن است منتج به خطر جانی یا زیان مالی جبران‌ناپذیر گردد (ر.ک:

راغب، بی تا، ص ۳۰۲؛ و در اصطلاح بدین معنی است که «انسان خود را در تنگنایی ببیند که برای رهایی از آن، برخلاف میل باطنی مجبور به انجام کاری شود» (ولایی، ۱۳۹۰، ص ۲۰۴). روشن است که با توجه به شدت و ضعف آن تنگنا، و میزان قبح فعلی که وادار به انجام آن می شود، اضطرار می تواند مراتب تشکیکی مختلفی پیدا کند؛ از این رو باید معنای دقیق اضطرار روشن شود.

مراد از اضطرار در این نوشتار، این است که در نبرد نظامی، دشمن از این سلاح، علیه مسلمین استفاده کند، و قصد نابودی جامعه اسلامی یا نسل کشی مسلمانان را داشته باشد، و از طرفی، برای جلوگیری از این وضعیت، راه دیگری جز مقابله به مثل و استفاده از این سلاح ها وجود نداشته باشد. بنابراین قید «انحصار» و شرایطی که نجات و حفظ کیان اسلام و جامعه اسلامی، منحصر در به کارگیری این اسلحه باشد، مراد اصلی از اضطرار در این تحقیق است.

۲. تبیین محل نزاع

۱-۲. مسئله تحقیق، فقط بیان حکم استفاده از این سلاح ها نیست، بلکه مراحل دیگر آن، از قبیل تولید، تکثیر و انباشت را هم شامل می شود.

۲-۲. این تحقیق، خصوص فرضی را محور بحث قرار می دهد که دشمن دارای چنین سلاحی است، و علاوه بر تهدید، ممکن است در مقابل مسلمانان از آن استفاده نیز کند، یا از آن استفاده کرده، و از طرفی راه دیگری هم برای دفع تهاجم دشمن وجود ندارد.

۳-۲. در این نوشتار، فقط ضوابط فقهی اولی این موضوع مورد بررسی قرار می گیرد، اما احکام عارضی، مثل صورتی که دولت اسلامی، متعهد به عدم تولید و استفاده از این سلاح ها شود، خارج از مسئله تحقیق است.

۴-۲. اقتضائات و شرایط اجتماعی و سیاسی جوامع اسلامی در قرن حاضر از جمله وجود قدرت های نظامی که اخلاق و انسانیت را فدای منافع مادی و حیوانی خود نموده، و در صورت توانایی ابایی از هیچ ظلم و وحشی گری ندارند، و از سوی دیگر وجود

منابع و ثروت‌های جوامع اسلامی که چشم طمع حکومت‌های استعمارگر را به خود دوخته است، ایجاب می‌کند اهتمام ویژه و معقولی نسبت به آمادگی دفاعی و همه‌جانبه در برابر مستکبران عالم صورت گیرد. از این رو برای یافتن پاسخ به مسئله از رهگذر غور در ادله فقهی، لازم است زمینه موجود و تهدیدات جدی و غیرقابل اغمازی که با آن مواجه هستیم نیز مورد عنایت قرار گیرد.

۳. بررسی مقتضای ادله در مسئله

۳-۱. دلیل عقل

برخی از محققان معتقدند: «استفاده از سلاح کشتار جمعی عقلاً قبیح است، زیرا ظلم بر بشر محسوب شده، و محیط‌زیست را از بین می‌برد. بنابراین عقل با توجه به ملاک ظلم و ملاک فساد قبح را درک می‌کند و بنابر قاعده ملازمه حکم عقل و حکم شرع، قاعداً استفاده از سلاح کشتار جمعی در شرع هم حرام است» (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۲، ص ۷).
برخی در این زمینه می‌نویسند: «استفاده از سلاح هسته‌ای و از بین بردن نفوس محترمه، نابودی نسل و تخریب محیط‌زیست مصداق بارز ظلم، و همگی آثار استفاده از سلاح کشتار جمعی هستند» (افضل زاده و رهبر، ۱۳۹۶، ص ۹۱).

نقد و بررسی

لیکن این دلایل تنها قبح صورتی را اثبات می‌کنند که اضطراری در بین نباشد؛ به عبارت دیگر، حکم قطعی عقل بر قبح استفاده از سلاح کشتار جمعی، به‌عنوان اولی ثابت بوده و قابل انکار نیست، چرا که موجب کشتار انسان‌های بی‌گناه بسیاری می‌شود، ولی کلام در فرضی است که اضطرار وجود دارد، و اینکه آیا باز هم عقل چنین حکمی دارد یا خیر. این امر محل تردید است، و به نظر می‌رسد دلیل قائلان به حرمت، اخص از مدعای ایشان، یعنی «حرمت مطلق» است. به‌عنوان مثال نقض، باید توجه شود که در مسئله «تتوس» نیز به‌عنوان اولی، کشتن زنان و فرزندان بی‌گناه، قطعاً قبیح است، اما آیا این قبح، در زمان اضطرار هم جریان دارد؟

خلاصه اینکه استفاده از سلاح کشتار جمعی و هر سلاح دیگری، به عنوان اولی، از نگاه عقل قبیح است، اما در حالت اضطرار ممکن است همان عقل، حکم به کشتن زنان و فرزندان کند که به عنوان سپر قرار داده شده‌اند؛ زیرا عقل به هنگام تزامم مصالح، حفظ اسلام و جامعه اسلامی را اهمّ از آن می‌داند؛ چرا که در نگاه وسیع‌تر، منجر به نجات افراد بسیار بیشتری از ظلم و کشته شدن به دست کفار (اگر غلبه پیدا کنند) می‌گردد؛ حال در مسئله استفاده از سلاح کشتار جمعی، اگر مثلاً دشمن در جنگ با مسلمانان از این ابزار استفاده کند، آیا می‌توان گفت که از نظر عقل، باید دست روی دست گذاشت و صرفاً ناظر نسل‌کشی مسلمین و ریشه‌کن شدن اسلام شد؟ یا اینکه باید بگوییم عقل، حکم به تقدیم مصلحت اقوی می‌کند؟

باید توجه شود که مسئله، بسیار عمیق‌تر از آن است که به سادگی بگوییم «عقل قطعاً حکم به حرمت استفاده در تمام حالات و شرایط می‌کند»؛ بلکه باید تحقیق و بررسی بیشتری در این زمینه صورت گیرد، که طبیعتاً مستلزم نگاه وسیع و جامع‌تر نسبت به فقه است.

۲-۳. بررسی مقتضای آیات قرآن کریم

۲-۳-۱. آیه اعداد

ابتدا به نقل گفتار برخی از مفسران در توضیح آیه شریفه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...» (انفال، ۶۹) می‌پردازیم: شیخ طوسی در این زمینه می‌نویسد:

«إعداد» به معنای گرفتن و آماده کردن چیزی برای اهداف مورد نیاز دیگر است، و «استطاعت» یعنی آمادگی و توانایی جوارح برای انجام کاری به همراه نبود مانع، و مراد از «قوه» اموری است که به وسیله آن بر دشمن قدرت پیدا می‌شود. خداوند متعال مؤمنان را امر فرموده که به اندازه توان، آمادگی نظامی کسب نمایند، اعم از سلاح جنگی و غیر آن (طوسی، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۴۷).

همچنین در مجمع‌البیان چنین آمده است: «این آیه امر خدای سبحان است به اینکه قبل از مواجهه با دشمن، به قدر توانایی، از جهت تسلیحات نظامی تجهیز لازم

صورت گیرد؛ به اندازه‌ای که قدرت برای مقابله با آنان حاصل شود (طبرسی، ۱۹۹۵م، ج ۴، ص ۴۸۷). بنابراین آنچه علامه طباطبایی در تفسیر المیزان نوشته‌اند:

کلمه «اعداد» به معنای تهیه کردن مقدمات ضروری یک هدف است، و کلمه «قوه» در جنگ به معنای هر چیزی است که بتوان به وسیله آن جنگ و دفاع را ادامه داد، مانند اسلحه و مردان جنگی با تجربه و تشکیلات نظامی. این آیه امر عام است به آمادگی جنگی مؤمنان به قدر استطاعتشان، در مقابل دشمنانی که موجود هستند یا کسانی که فرضاً ممکن است تحقق یابند، که از لوازم وجود تضاد منافع در جوامع انسانی است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۹، ص ۱۱۴).

نیز بنابر تفسیر نمونه، «یعنی در انتظار نمانید تا دشمن به شما حمله کند آنگاه آماده مقابله شوید، بلکه باید از پیش به حد کافی آمادگی در برابر هجوم‌های احتمالی دشمن را داشته باشید» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۲۶۸)؛ که ظاهراً امر در این آیه، امر وجوبی مولوی بوده، و دلالت بر لزوم آمادگی برای مقابله با دشمن دارد.

با تأمل در این آیه روشن می‌شود که اولاً عنوان «ما استطعتم» دلالت روشنی بر عمومیت حکم دارد (همان‌طور که علامه طباطبایی به عمومیت حکم اشاره کرد)؛ یعنی هر مقدار که استطاعت دارید خود را برای مقابله تقویت نمایید، تا جایی که قدرت لازم برای مقابله حاصل شود. ثانیاً تعبیر «من قوه» اطلاق دارد و شامل هر گونه سلاحی که برای تحقق این هدف لازم باشد می‌شود. مکارم شیرازی می‌نویسد:

کلمه «قوه» نه تنها وسائل جنگی و سلاح‌های مدرن هر عصر را در بر می‌گیرد، که تمام نیروها و قدرت‌هایی که به نوعی در پیروزی دشمن اثر دارد، اعم از مادی و معنوی، را شامل می‌شود. هر سلاح و قدرتی که در آینده هم پیدا شود، در کلمه جامع «قوه» نهفته است، زیرا جمله «ما استطعتم» عام است، و کلمه «قوه» که به صورت نکره آمده، عمومیت آن را تقویت کرده، هر نیرویی را شامل می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۲۷۳).

ثالثاً در آیه شریفه، هدف از این حکم، ارباب دشمنان خدا و کسانی بیان شده

است که عداوت پنهان دارند: «گویی آیه شریفه می گوید: آن‌چنان قدرتمند شوید که دشمن به وحشت بیفتد، و حتی دشمنانی که آنان را نمی‌شناسید با افزایش آمادگی جنگی شما بترسند و بر سر جای خود بنشینند» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۷، ص ۲۷۵)؛ و از این نکته استفاده می‌شود که اصل ارهاب از اصولی است که مسلمین و حاکم اسلامی باید به آن توجه ویژه داشته باشند. نکته بعدی این است که نمی‌توان هدف لزوم تقویت نظامی را فقط ارهاب دانست، بلکه ارعاب دشمن، یکی از مهمترین غایاتی است که بر لزوم تقویت جنگی و دفاعی مترتب است. علامه طباطبایی گوید:

اینکه آیه شریفه، ارهاب را هدف لزوم آمادگی دفاعی معرفی کرده، اگرچه خود ارهاب یکی از اغراض صحیحی است که فوائد عظیمی بر آن مترتب است، ولی تمام غرض نیست؛ بلکه هدف اصلی از تجهیز نظامی، قدرت و تمکن از دفع حمله دشمن به‌اندازه استطاعت است، و در نتیجه، حفظ جامعه از خطر دشمنانی است که جان، آبرو و مال مسلمین و جامعه اسلامی را تهدید می‌کنند؛ و به عبارت مناسب‌تر خاموش کردن آتش فساد است که می‌خواهد بنیان دین و حقیقت را نابود کند، که فراهم‌آورنده عبودیت و عدالت میان بندگان است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۹، ص ۱۱۶).

در نتیجه، با توجه به اطلاق آیه شریفه، تولید سلاح کشتار جمعی، به‌منظور آمادگی برای دفع کشتار جمعی دشمن و همچنین ارهاب و ترساندن دشمنان شناخته و ناشناخته، جایز بلکه لازم است؛ مگر اینکه بگوییم قرینه بر تقييد اطلاق وجود دارد، و آن، مجموع روش و سیره پیامبر اکرم ﷺ و امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ‌ها است؛ که در ادامه به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

۲-۳-۲. آیه اعتداء

در فرضی که دشمن دارای سلاح اتمی است و با آن مسلمین را تهدید می‌کند، آیا می‌توان به آیه شریفه «فَمَنْ عَتَدَىٰ عَلَيَّكُمْ فَاَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا عَتَدَىٰ عَلَيَّكُمْ» (بقره، ۱۹۴)

تمسک نمود، و نتیجه گرفت که به مقتضای مقابله به مثل، مسلمین مجاز باشند که چنین
سلاحی را تهیه نمایند؟

نگاهی اجمالی به تفسیر آیه نشان می‌دهد که علامه طباطبایی در تفسیر المیزان
معتقد است:

معنای این جمله عام این است که علت تشریح قصاص، در واقع تشریح جواز
اعتداء به مثل است؛ و علت امر به اعتداء به مثل این است که اعتداء مذموم
منحصر به فرضی است که در مقابل اعتداء دیگری نباشد، اما هنگامی که
چنین باشد، باعث تعالی و رهایی از ذلت، بندگی و ظلم است (طباطبایی، ۱۳۹۰،
ج ۲، ص ۵۱).

بنابر تفسیر مجمع البیان، «من اعتدی علیکم» یعنی هر کسی که بر شما ظلم کرد،
شما هم مثل تعدی او را بر آنان وارد سازید» (طبرسی، ۱۹۹۵م، ج ۲، ص ۳۲). همچنین در
تفسیر نمونه آمده است:

آیه شریفه، یک دستور کلی و عمومی را بیان می‌فرماید که باید مقابل متجاوز
ایستاد، و به هر کس حق می‌دهد اگر به او تعدی شود، به همان مقدار مقابله
کند. این آیه، مفهوم وسیعی دارد، و منحصر به مسئله قصاص یا جنایات دیگر
نیست؛ بلکه امور مالی و سایر حقوق را نیز شامل می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷،
ج ۲، ص ۴۵).

با این حال، برخی معتقدند:

«ظاهر آیه دربرگیرنده موردی است که بر کسی ظلم شده باشد. بنابراین صرف
داشتن سلاح اتمی توسط دشمن، مصداق ظلم و اعتداء نیست. اما اگر در جنگ
با مسلمین از این سلاح استفاده کند، دلالت آیه، مقابله به مثل را مشروعیت می
بخشد، اما نه به صورت مطلق؛ مثلاً اگر دشمن سربازان مسلمان را مثله کرد،
مسلمانان اجازه مقابله به مثل در این جهت را ندارند. بنابراین آیه شریفه از این
جهت اطلاق ندارد (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۲، صص ۷-۳۴).

به نظر می‌رسد اینکه مجرد داشتن سلاح‌های اتمی، از مصادیق اعتداء به‌شمار

نمی آید، سخنی صحیح است، ولی باید توجه داشت دشمن گاهی علاوه بر داشتن سلاح اتمی، جامعه اسلامی را تهدید به استفاده از آن نیز می کند، و دائماً از گزینه نظامی روی میز سخن می راند؛ به نظر می رسد که این تهدید می تواند از مصادیق اعتداء و مورد تجاوز قرار دادن حریم جامعه اسلامی و آرامش حاکم بر آن باشد، و به هم خوردن این آرامش، تبعات ملموس و عینی فراوانی را برای جامعه در پی داشته باشد؛ و طبیعتاً مقابله به مثل چنین اعتدائی در همان حد خواهد بود، و مسلمین نیز باید با داشتن چنین سلاح هایی، جنگ روانی دشمن را مدیریت کرده، پاسخ دهند.

ظاهراً عرف هم اعتداء و تجاوز را محدود به فرضی نمی داند که تجاوز فیزیکی صورت گرفته باشد، بلکه به هم ریختن نظم و آرامش جامعه اسلامی با چنین تهدیدهایی، نوعی تجاوز به حریم مسلمین تلقی می شود، و دلیلی بر مقید کردن اعتداء به اعتداء فیزیکی نداریم. مضافاً به اینکه چه تهدیدی از سوی دشمن صورت بگیرد و چه نگیرد، نباید جنبه بازدارندگی و ارعابی که صرف داشتن این سلاح ها دارد مغفول واقع شود. قسمت پایانی آیه شریفه «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...» دلالت دارد بر اینکه یکی از حکمت های وجوب تجهیز نظامی، این است که دشمنانی که حتی خود مسلمین آنها را نمی شناسند (و طبعاً تهدیدی از سوی آنان صورت نگرفته) نیز مرعوب شوند و این خود نوعی پیشگیری از جنگ نظامی است؛ از این رو حتی اگر تهدیدی از سوی دشمن صورت نگیرد، باز هم تجهیز نظامی لازم است که به اطلاق سلاح کشتار جمعی را نیز شامل می شود.

بنابراین آیات قرآن کریم، نه تنها دلالتی بر حرمت مطلق استفاده از این سلاح ها ندارند، بلکه در صورت استفاده دشمن از سلاح های کشتار جمعی، و اضطرار، مقتضای آیاتی چون امر به اعتداء به مثل، دلالت بر جواز، بلکه لزوم مقابله به مثل می کنند؛ همچنین آیاتی که امر به تجهیز و آمادگی نظامی فرموده، شامل تولید و انباشت این سلاح ها به منظور ارعاب دشمن و پیشگیری از حمله نظامی آنها نیز می شود.

۳-۳. مقتضای روایات

دسته‌بندی کلی روایات در مسئله، و بررسی آنها

روایاتی که برای حرمت مطلق سلاح کشتار جمعی بدان‌ها استدلال شده است، سه دسته‌اند:

الف. روایات شریفی که دلالت بر عدم جواز تعرض به غیر جنگجویان یعنی کودکان، زنان، سالخورده‌گان، حیوانات، دیوانگان و... دارد. در نتیجه استفاده از سلاح کشتار جمعی مثل سلاح اتمی که غیرنظامیان را هم مورد تعرض قرار می‌دهد، جایز نیست.

در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

كان رسول الله صلى الله عليه وآله إذا أراد أن يبعث سرية دعاهم فأجلسهم بين يديه ثم يقول: سيروا بسم الله وبالله وفي سبيل الله وعلى ملة رسول الله، لا تغلوا ولا تمثلوا ولا تغدروا ولا تقتلوا شيخاً فانياً ولا صبياً ولا امرأة ولا تقطعوا شجراً إلا أن تضطروا إليها؛ رسول خدا صلى الله عليه وآله هرگاه تصمیم می‌گرفت گروهی را برای جنگ بفرستد آنها را فرامی‌خواند و پیش روی خویش می‌نشاند و می‌فرمود: با نام خدا و برای خدا و در راه خدا و بر دین رسول خدا بروید، و کینه‌توزی نکنید، و کشته‌های دشمن را مثله نکنید، و پیمان‌شکنی نکنید، و پیرمرد از کار افتاده و کودک و زنی را نکشید، و درختی را قطع نکنید، مگر وقتی که چاره‌ای جز آن نباشد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۷).

در آخر این روایت، رسول خدا صلى الله عليه وآله پس از بیان ممنوعیت مواردی، حالت اضطرار را استثنا می‌کنند (یعنی در آن صورت، محظورات مباح می‌شود). شهید اول در لمعه آورده است: «قتل کودکان، زنان، دیوانگان هر چند در حالت جنگ کمک رسانند، جایز نیست مگر در موارد ضرورت» (عاملی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۶۹).

روایات لزوم حفظ محیط‌زیست هم دالّ بر این است که مسلمین حق ندارند در جنگ، هر چه خواستند انجام دهند، بلکه محدودیت‌هایی وجود دارد، حتی نسبت به

درختان. مثل این فراز از روایت که می‌فرماید: «ولا تقطعوا شجرة مثمرة» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۵۸).

قائلان به حرمت معتقدند از این دسته از روایات و برخی از آیات، قاعده تفکیک در جهاد اسلامی به دست می‌آید. طبق این قاعده، تنها نظامیان باید مورد اصابت جهادگران مسلمان قرار گیرند، و غیرنظامیان تحت حفاظت باشند؛ لذا سلاح هسته‌ای که توان تفکیک را ندارد، از نظر اسلام، مردود است (برای نمونه ر.ک: جمعی از محققان، ۱۴۲۸ق، ص ۳۳).

نقد و بررسی

پیرامون روایات دسته اول باید گفت که حرمت تعرض به کودکان و زنان و... مورد پذیرش است، اما باید توجه داشت که این ممنوعیت، حکم اولی برای این موضوعات است؛ و منافاتی با جواز به‌عنوان ثانوی (یعنی حالت اضطرار) ندارد. به عبارت دیگر، ادله اضطرار بر این ادله حکومت داشته، آنها را تفسیر می‌کند. بنابراین حرمت استفاده از سلاح کشتار جمعی در فرض اضطرار، از این دسته از روایات استفاده نمی‌شود؛ به‌خصوص کارهایی چون مثله کردن، سوزاندن و تعرض به سالخورده‌گان، بانوان و کودکان، غالباً بعد از اتمام جنگ و طبق رسوم جاهلی صورت می‌پذیرفته است، و این موارد نقشی در تغییر سرنوشت جنگ نداشته و در نتیجه، با فرض اضطرار که محل بحث است، متفاوت است.

جالب این است که در پایان همان روایت منقول از رسول خدا ﷺ نیز، استثنای «إلا أن تضطروا إليها» آمده است، یعنی در صورت اضطرار، حتی همین ممنوعیت‌هایی که در روایت نام برده شده هم برداشته می‌شود، و این فراز از روایت، بیشتر دلالت بر مدعای ما دارد تا دلالت بر حرمت. البته ممکن است استثنای مذکور فقط ناظر به همان موارد ذکر شده در متن روایت باشد، بنابراین صدر روایت، قرینه صارفه از اطلاق استثنا می‌شود. با این حال باید توجه شود که استدلال ما بر مدعای خود، منحصر به این روایت شریف نیست، بلکه این روایت از ادله‌ای است که قائلان به حرمت مطلق بدان استناد

نموده‌اند، که گفته شد چنین دلالتی از آن برداشت نمی‌شود، و روایت مذکور نهایتاً از بیان حکم مسئله تحقیق ما ساکت است.

نکته بسیار مهم این است که اساساً استناد به این دست روایات بر حرمت سلاح‌های کشتار جمعی، از مصادیق استفاده از قیاس فقهی خواهد بود، بلکه قیاس مع الفارق است؛ زیرا موارد مذکور در این روایات، ظهور در حالت اضطرار ندارد، مثلاً مثله کردن، قطع درخت‌ها، کشتن زنان و فرزندان و حیوانات، غالباً به خاطر اضطرار نیست، و آسیب‌رساندن به این گروه‌ها یا عدم آن، نقش چندانی در سرنوشت جنگ ندارد، و این موارد با محل بحث ما که فرض اضطرار و انحصار است، تفاوت اساسی دارد، و نمی‌توان بدان قیاس کرد.

به‌طور خلاصه اگر منظور از حرمت این سلاح‌ها، ممنوعیت به‌عنوان حکم اولی است، صحیح و قابل قبول است، ولی حکم استفاده از این سلاح‌ها در فرض اضطرار، از این دسته از روایات استفاده نمی‌شود.

ب. دسته دوم از روایاتی که برای حرمت بدان استدلال شده:

روایاتی است که از سوزاندن سربازان با آتش نهی می‌کند. از این دست روایات می‌توان نتیجه گرفت که در مقام غلبه، مسلمین مجاز به استفاده از هر ابزار یا هر روشی مثل سوزاندن نیستند، و بنابر این دسته از روایات واضح است که استفاده از سلاح کشتار جمعی به‌طریق اولی جایز نیست (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۲، ص ۷۵).

نقد و بررسی

در مورد این دسته از روایات نیز همان سخن جاری است؛ یعنی حرمت سوزاندن دشمنان، غالباً از روی اضطرار نیست که غلبه، متوقف بر آن باشد؛ بلکه غالباً با دواعی نفسانی چون انتقام‌جویی صورت می‌پذیرد، در نتیجه نمی‌تواند دلیلی بر حرمت به‌کارگیری سلاح‌های اتمی در فرض اضطرار باشد. بر فرض اینکه این غلبه را نپذیریم، یا آن را موجب انصراف ندانیم، باز هم ادله رفع حکم به هنگام اضطرار بر این ادله، حکومت می‌داشت (برای مطالعه مدارک قاعده ر.ک: محقق داماد، ۱۳۸۷، ص ۴۵).

ج. دسته سوم، روایاتی هستند که دلالت بر حرمت استفاده از سم در بلاد مشرکین دارند. از این روایات، به طریق اولی حرمت استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی استفاده می‌شود (برای نمونه، ر.ک: مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۹، ص ۱۷۷).

صاحب جواهر (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۶۷) بعد از آنکه کلام محقق را نقل می‌کند که گفت: «و یحرم إلقاء السمّ»، می‌نویسد:

شیخ طوسی در کتاب نهاییه، ابن زهره در غنیه، ابن ادریس در سرائر، محقق در مختصر النافع، علامه در ارشاد، شهید اول در دروس، محقق ثانی در جامع المقاصد و بسیاری از فقهای دیگر، حرمت القاء سمّ را بر فرض عدم اضطرار، یا فرض عدم توقف پیروزی مسلمانان بر آن، مقید کرده‌اند.

صاحب جواهر در ادامه می‌گوید:

حتی اگر غلبه لشکر اسلام بر استفاده از سمّ در سرزمین‌های مشرکان متوقف باشد، اطلاق روایت، در این صورت نیز بر عدم جواز دلالت دارد؛ و اگر مقصود از «ضرورت» در کلام کسانی که استفاده از سم را در مورد ضرورت جایز دانسته‌اند، توقف پیروزی بر استفاده از سمّ باشد، می‌توان این دیدگاه را به وسیله اطلاق مذکور مردود دانست (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۶۷).

آیت‌الله فاضل در توجیه سخن صاحب جواهر می‌نویسد:

«گرچه به مقتضای قواعد علم اصول می‌بایست اطلاق این حدیث را با ادله اضطرار تقیید زد، ولی صاحب جواهر معتقد است که با این وجود، این اطلاق قابل تقیید نیست، چرا که در اکثر موارد، استفاده از سمّ در فرض اضطرار صورت می‌پذیرفته است، و رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با عنایت به همین مطلب، استفاده از سم در سرزمین شرک را به صورت کلی، مورد نهی قرار داده است (فاضل لنگرانی، ۱۳۹۲، ص ۷۷).

نقد و بررسی

با توجه به ادله کلی رفع حکم در فرض اضطرار، در روایات دسته سوم نیز عیناً همین

مطلب جریان دارد که حرمت استفاده از سم، مختص به عدم اضطرار و انحصار است، به همان دلائلی که پیش‌تر بیان گردید. اما نکته‌ای که ذیل روایات دسته سوم جالب توجه بود، عبارات فقهای بزرگ امامیه همچون شیخ طوسی، ابن‌ادریس، محقق، علامه، شهید اول، محقق ثانی و بسیاری دیگر از فقها بود که همگی حرمت القاء سم را منوط به عدم اضطرار کرده‌اند که طبق این فتاوا (که ظاهراً با توجه به روایات وارد شده پیرامون القاء سم بوده است)، حکم حرمت سلاح کشتار جمعی در حالت اضطرار، از این روایت، مستفاد نیست.

نکته دیگر اینکه نظر صاحب‌جواهر این بود که حتی در صورت توقف غلبه بر القاء سم، باز هم اطلاق روایت در حرمت، این فرض را نیز شامل می‌شود، اما دلیلی که آیت‌الله فاضل برای سخن صاحب‌جواهر بیان می‌کند این است که اطلاق روایت با ادله رفع اضطرار، قابل‌تقیید نیست، زیرا غالباً القاء سم در موارد اضطرار بوده است. باید در پاسخ گفت به‌هیچ‌وجه نمی‌توان مدعی شد که استفاده از سم در جنگ‌ها غالباً در فرض اضطرار بوده؛ چه بسا هدف این بوده که به‌سادگی و بدون سختی، دشمن را شکست دهند، و اصلاً غالبیت اضطرار در هنگام القاء سم قابل‌پذیرش نیست؛ والله اعلم.

جمع‌بندی روایات

به نظر می‌رسد حکم حرمت مواردی چون قتل کودکان و دیوانگان، مختص به فرض عدم اضطرار است و این ادعا، با توجه به استثنائی که در روایات مذکور بیان شده بود (یعنی الا آن تضطرّوا لیهما) و استثنائی که غالب فقهای امامیه بیان نموده‌اند، قابل‌پذیرش است (به‌خصوص که مقتضای قواعد اصولی این است که اطلاقات حرمت به‌وسیله ادله اضطرار، مقید شود)؛ در نتیجه، حکم حرمت استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی به‌هنگام اضطرار (که مسئله اصلی این تحقیق است) از این روایات اصطیاد نمی‌شود. بلکه شاید بتوان گفت به‌خاطر اطلاق استثنای «الا آن تضطرّوا لیهما»، می‌توان حکم جواز استفاده از سلاح کشتار جمعی به‌هنگام اضطرار و نجات کیان جامعه اسلامی را استفاده نمود. محقق در شرائع، محاربه با دشمن به‌وسیله امثال منجنیق، نابود کردن قلعه‌ها، خانه‌ها و

هر چه که به وسیله آن، غلبه به دست آید را جایز قلمداد کرده، و در سه مورد قطع اشجار، پرتاب آتش و رها نمودن آب، فتوا به کراهت داده و گفته است در همین سه مورد هم اگر ضرورت اقتضا کرد، از کراهت خارج می شود (ر.ک: محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۸۳).

صاحب جواهر فتوای شهید اول در روضه (مبنی بر اینکه هدم قلعه‌ها، استفاده از منجنیق و قطع اشجار را در صورتی جایز دانسته که فتح و غلبه بر آن توقف داشته باشد) را صحیح نمی داند و معتقد است حتی اگر فتح و غلبه بر این موارد توقف نداشته باشد هم مسلمین می توانند ابتدائاً نسبت به کفار، این امور را انجام دهند. صاحب جواهر در ادامه افزوده است که بر حسب برخی اخبار می توان گفت قطع اشجار، پرتاب آتش و تسلیط آب در غیر ضرورت کراهت دارد (ر.ک: نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۱، ص ۶۵).

۴. استدلال به «تترس» بر جواز

«تترس» از ادله‌ای است که می توان برای حلیت سلاح کشتار جمعی در صورت اضطرار، بدان استناد نمود. در روایت حفص بن غیاث از امام صادق علیه السلام چنین آمده است:

قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن مدينة من مدائن الحرب هل يجوز أن يرسل عليها الماء أو تحرق بالنار أو ترمى بالمنجنیق حتى يقتلوا ومنهم النساء والصبيان والشيخ الكبير والأسارى من المسلمين والتجار؟ فقال: يفعل ذلك بهم ولا يمسك عنهم لهؤلاء ولا دية عليهم للمسلمين ولا كفارة (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۴۶).

طبق روایت مذکور و سایر روایاتی که در این باره بیان گردیده، اگر در زمان جنگ با مشرکان، دشمن تترس کرد، یعنی زنان و کودکان را سپر خود قرار داد تا مانع پیشروی و پیروزی مسلمین در جنگ شود، در این صورت کشتن آنها برای دستیابی به فتح و نجات جامعه اسلامی جایز است.

طرح اشکال و پاسخ آن: مخالفان حلیت در پاسخ به این استدلال گفته‌اند که «مسئله تترس ارتباطی با موضوع محل بحث (سلاح‌های کشتار جمعی) ندارد؛ زیرا در تترس، محدودیت وجود دارد، در حالی که در سلاح‌های کشتار جمعی نمی توان برای آن

محدودیتی تصور نمود» (ر.ک: فاضل لنکرانی، ۱۳۹۲، ص ۸۳).

لیکن به نظر می‌رسد مسئله ترس و فتوای فقها بر جواز کشتن زنان و کودکانی که سپر قرار داده شده‌اند در صورت اضطرار، دقیقاً مرتبط با محل بحث و شاهد دیگری بر قول به جواز در صورت اضطرار است. توضیح اینکه فقها در مسئله ترس، با اینکه سخن از کشته شدن زنان و فرزندان بی‌گناه در میان است، باز هم فتوا به جواز در صورت اضطرار داده‌اند، و عبارات آنها به روشنی می‌رساند که علت فتوای به جواز، همین حالت اضطرار، و انحصار غلبه بر این عمل است، و این فتوا دقیقاً با قاعده نقلی رفع حکم به هنگام اضطرار مطابقت دارد. بنابراین مناط قطعی فتوای جواز (یعنی اضطرار)، در محل بحث هم وجود دارد. مضافاً به اینکه جواز در مسئله ترس، می‌تواند جواب نقضی محکمی بر تمام قواعد و ادله پیشینی باشد که برای حرمت بدان‌ها استدلال شد.

در پاسخ به وجه افتراق ذکر شده باید گفت محدودیت ترس نسبت به سلاح کشتار جمعی نمی‌تواند سبب اختلاف جوهری و ماهوی میان آن دو شود؛ زیرا در هردو، معیار و ملاک واحدی حاکم است، و وقتی در حالت ترس، به خاطر مصلحت اهم، یعنی وجود اضطرار و توقف نجات جامعه اسلامی از چنگال کفر، حتی در قتل انسان‌های بی‌گناه، قائل به جواز شدیم (و مجوزیت اضطرار به حد خون رسید)، این ملاک در فرض استفاده از سلاح کشتار جمعی نیز وجود دارد. به‌عنوان مثال، قدرت ویرانگری موشک (چه از حیث لطامات انسانی و چه طبیعی)، بسیار بالاتر از ویرانگری تفنگ است، اما این اختلاف در محدودیت، بدون هیچ اختلاف نظری، منجر به تفاوت حکم آن دو (در جواز استفاده در حالت اضطرار و انحصار) نمی‌گردد؛ و همین‌طور اختلاف ترس با محل بحث، اختلاف ماهوی نبوده، و صرف «قدرت و وسعت بیشتر ویرانگری» موجب حرمت استفاده از سلاح کشتار جمعی حتی در حالت اضطرار و در خطر بودن کیان اسلام و عدالت اجتماعی، نیست؛ و سبب خروج از اطلاقات ادله اضطرار نمی‌شود. در عین حال اگر نتوانیم آن را به‌مثابه دلیل مستقلی بر جواز در مسئله خود (فرض اضطرار) قلمداد کنیم، مسئله ترس، حداقل می‌تواند به‌منزله شاهد و مؤیدی

بر مدعای ما باشد، که در فرآیند تجمیع ظنون ممکن است در کنار سایر ادله، دلیل معتبری را صورت دهد.

۵. وجوب تقدیم اهم بر مهم؛ و استناد به آن برای جواز

قاعده تقدیم اهم بر مهم، از قواعدی است که در اصول فقه، مسلّم تلقی شده است (برای نمونه ر.ک: صدر، بی تا، ج ۶، ص ۵۹؛ روحانی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۳۵۷؛ بجنوردی، بی تا، ج ۱، ص ۴۷۱؛ خوئی، بی تا، ج ۲، ص ۶۶). حسینی شیرازی می نویسد:

«ادله اربعه، بر اعتبار این قاعده دلالت دارد؛ همچنین اجماع عملی فقها در مسائل مختلف فقه، و بنای همه عقلا که تقدیم اهم را لازم می دانند، به علاوه سیره قطعی که بر آن اقامه شده، پشتوانه این قاعده هستند» (حسینی شیرازی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۴۲).

بنابراین قاعده تقدیم اهم، مبتنی بر ادله اربعه، از جمله دلیل عقل بوده، و از آنجا که احکام عقلی بدیهی، استثناء پذیر نیست، باید حکم کرد که این قاعده در تمام موارد فقه جاری است.

در محل بحث ما، مصلحت اهم (یعنی مصلحت حفظ نظام اسلامی، یا مصلحت جلوگیری از کشتار بیشتر) از بزرگ ترین مصالح محسوب می شود. امام خمینی معتقد است بعضی از محرّمات و واجبات از نظر شارع در غایت اهمیت است؛ مثل هدم کعبه و مشاهده مشرفه و مثل الردّ علی الاسلام (ر.ک: امام خمینی، ۱۳۷۸، ص ۱۲). بنابراین نمی توان به نظاره نشست و قتل عام و نابودی جامعه اسلامی توسط کفار به وسیله مثلاً بمب های اتمی را تماشا کرد، یا نهایتاً به یاری سازمان های بین المللی امیدوار بود. از اینجا روشن می شود که ساخت و انباشت این سلاح ها به منظور استفاده به هنگام ضرورت، و همین طور به منظور إرهاب و پیشگیری از حمله نظامی دشمن، جایز، بلکه واجب است.

نکته دیگر، لزوم رویکرد اجتماعی و حکومتی در فقه است، که در چنین نگرشی، علاوه بر استخراج نظام های اجتماعی و اجرائی از تعالیم اسلام، نگاه وسیع و عمیق اجتماعی در کنار اصول و قواعد فقه سنتی و جواهری، به هنگام فتوا در مسائل فقهی،

موجب می‌شود که تأثیر شگرف و قابل توجهی در تکامل فقه و جامعه اسلامی مبتنی بر مبانی فقهی، مشاهده شود (برای نمونه ر.ک: نوروزی و دیگران، ۱۴۰۳).

۶. نقد و بررسی نظرات فقها در مسئله

۶-۱. فقه‌های غیر معاصر

طبیعتاً در زمان فقه‌های قدیم، مسئله سلاح کشتار جمعی به معنای امروزی آن مطرح نبوده، ولی ایشان در زمینه استفاده از سم علیه دشمن، نظراتی بیان کرده‌اند، و از آنجا که انتشار سم، نوعی کشتار جمعی محسوب می‌شود، با الغای خصوصیت عرفی می‌توان حکم مسئله محل بحث را هم از آن استفاده کرد، یا ظن حاصل از آن را در فرایند تجمیع ظنون به کار بست.

۶-۱-۱. قول به حرمت

عده‌ای از فقه‌های امامیه به حرمت به کارگیری سم فتوا داده‌اند. شیخ طوسی می‌نویسد: «جنگ با کفار با انواع و سائل جنگی جایز است، مگر سم؛ که جایز نیست در بلاد کفار سم ریخته شود» (طوسی، ۱۴۰۰، ص ۲۹۳). ابن زهره در این زمینه معتقد است: «جنگ با دشمن با هر وسیله‌ای که در آن امید پیروزی باشد جایز است، مگر استفاده از سم» (طوسی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۲۰۱).

۶-۱-۲. جواز در حالت اضطرار

محقق حلی می‌گوید: «القاء سم حرام است... اگر پیروزی جز به آن ممکن نباشد، جایز است» (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۸۳). فخرالمحققین هم قائل به حرمت استفاده از سم است، ولی معتقد است که اگر موجب قتل بی‌گناه نشود یا پیروزی متوقف بر استفاده از سم باشد، جایز خواهد بود» (ر.ک: فخرالمحققین، ۱۳۸۷، ص ۳۵۷). شهید ثانی می‌نویسد: «جنگ با انواع مختلف جایز است؛ مگر با سم، و اگر اضطرار در آن باشد جایز است» (عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۴۸۱).

به نظر می‌رسد جمع میان این دو نظریه این باشد: فتوای حرمت، شامل صورتی که استفاده از سم، به حد اضطرار (اضطرار با توضیحی که بیان شد) برسد نخواهد بود، و ظاهراً قول حرمت در مقام بیان قاعده کلی و اولیه در جنگ است، که دین متعالی اسلام اجازه استفاده از هر ابزاری در جنگ با کفار را نمی‌دهد، به خصوص ابزاری که قاعدتاً موجب کشتار انسان‌های بی‌گناه زیادی می‌شود، مثل استفاده از سم؛ و این سخن در جای خود، صحیح و قابل قبول است، ولی منافاتی با جواز در حالت اضطرار ندارد.

۶-۱-۳. قائلان به کراهت

علامه حلی پیرامون حکم إلقاء سم چنین می‌نگارد: «نظر قوی‌تر جواز آن است؛ و نهی پیامبر اکرم ﷺ بر کراهت حمل می‌شود» (حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۷۰). ظاهراً مراد از اینکه نهی پیامبر ﷺ، حمل بر کراهت می‌شود، این است که سند روایت سکونی که دالّ بر این نهی است، ضعیف است، و علامه مجلسی ذیل این روایت می‌نویسد: «این حدیث مجعول یا ضعیف است...» (مجلسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۷۳). البته برخی فقها مثل محقق خوئی این حدیث را معتبر می‌دانند (ر.ک: محقق خوئی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۷۳). در هر صورت، حدیث سکونی، اگر معتبر هم باشد، ظاهراً فرض اضطرار را شامل نمی‌شود و حکم حرمت، به‌عنوان اولی را بیان می‌فرماید.

۶-۱-۴. جمع‌بندی

با بررسی نظرات فقهای پیشین، به نظر می‌رسد که قول به جواز استفاده از سم در حالت اضطرار، نظر مشهور است، چرا که طبق عبارات مذکور، غالب فقها یا القاء سم را اساساً مکروه تلقی می‌کنند، یا اینکه اگر معتقد به عدم جواز آن هستند، حرمت را در صورت عدم اضطرار جاری می‌دانند.

۶-۲. فقهای معاصر

اکثر فقهای معاصر، استفاده از سلاح کشتار جمعی مثل سلاح هسته‌ای را حرام و

ممنوع قلمداد می‌کنند (برای نمونه ر.ک: بهجت، ۱۴۲۶ق، ص ۳۸۰؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۴۲۱)، لیکن شهید صدر در زمینه به کارگیری سلاح هسته‌ای می‌نویسد:

در حدیث معتبر سکونی آمده است که پیامبر ﷺ از القاء سم در بلاد مشرکین نهی فرمود، و به نظر من نهی بر حرمت دلالت می‌کند، مادامی که مصلحت عظیمی پیش نیاید، که البته بسیار نادر است. اگرچه روایت بر سم دلالت می‌کند، اما شامل همه سلاح‌های نابودکننده جمعی نیز می‌شود، به گونه‌ای که با استفاده از این سلاح‌ها مجرم و مصلح، رزمنده و غیر آن، از بین می‌روند و سم در این روایت خصوصیتی ندارد (صدر، ۱۴۲۷ق، ج ۱۱، ص ۲۲۳).

مقام معظم رهبری در زمینه کاربرد سلاح کشتار جمعی و خصوصاً سلاح هسته‌ای چنین می‌گوید:

به اعتقاد ما افزون بر سلاح هسته‌ای، دیگرانواع سلاح‌های کشتار جمعی نظیر سلاح شیمیایی و سلاح میکروبی نیز تهدیدی جدی علیه بشریت تلقی می‌شوند. ملت ایران که خود قربانی کاربرد سلاح شیمیایی است، بیش از دیگر ملت‌ها خطر تولید و انباشت این گونه سلاح‌ها را حس می‌کند و همه امکانات خود را در مسیر مقابله با آن قرار می‌دهد. ما کاربرد این سلاح‌ها را حرام، و تلاش برای مصونیت‌بخشیدن ابناء بشر از این بلای بزرگ را وظیفه همگان می‌دانیم (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۹).

بررسی و تحلیل

نظرات فقهای معاصر بر حرمت سلاح اتمی را می‌توان بر حکم اولی حمل نمود، و شهید صدر نیز به این مضمون تصریح کرد که حکم به حرمت، مقید است به زمانی که مصلحت عظیم‌تر پیش نیاید، که ظاهراً مراد ایشان از مصلحت اعظم، همان فرض خطر نابودی کل جامعه اسلامی و اضطراب است، که البته احتمال چنین شرایطی از حیث وقوع بسیار کم است؛ ولی ثمره‌اش در وجوب تولید و انباشت این سلاح‌ها به خصوص به منظور اعداد و اِرهاب، نمایان می‌شود، که فرض نادری نیست.

اما ظاهر سخنان مقام معظم رهبری این است که تولید، انباشت و به کارگیری سلاح کشتار جمعی ممنوع و حرام است، اما در کلام ایشان سخنی از فرض اضطرار یا عدم اضطرار به میان نیامده است. با توجه به اهمیت فتوای رهبر معظم انقلاب، لازم است کمی بیشتر در تحلیل آن کنکاش صورت گیرد. از مجموع سخنان ایشان، دو احتمال قابل برداشت است:

الف. اینکه حرمت سلاح اتمی حتی در حالت اضطرار نیز جریان داشته باشد (که ظاهر سخنان ایشان با همین احتمال سازگارتر است، زیرا تولید و انباشت این سلاح‌ها را نیز ممنوع می‌داند)؛ که اشکالات و ادله‌ای که در این جستار بدان پرداخته شد، بر این دیدگاه نیز وارد است.

ب. شاید بتوان فتوای ایشان را با توجه به کلام شهید صدر، این گونه توضیح داد: از آنجا که احتمال پدید آمدن چنین شرایطی (یعنی فرض اضطرار به معنایی که ذکر شد) بسیار نادر است، از باب «النادر کالمعدوم»^۱ نیازی به در نظر گرفتن چنین حالتی به هنگام صدور حکم نیست، و به همین خاطر ایشان فتوا به حرمت تولید، انباشت و استفاده از این سلاح‌ها برای حفظ امنیت نوع بشر داده‌اند؛ به بیان دیگر ممکن است در دیدگاه ایشان نیز در شرایط اضطرار و وجود مصلحت اعظمی چون حفظ اساس اسلام، و جلوگیری از کشته شدن سطح وسیع تری از انسان‌ها و گسترش ظلم، استفاده از این سلاح‌ها جایز باشد، ولی این شرایط، فقط مجرد احتمال است و قابل اعتنا به هنگام صدور حکم نیست، و روشن است که در صورت عدم اضطرار نیز باید قائل به حرمت شد.

اگر مراد رهبر معظم انقلاب، مضمون فوق باشد، باز هم دیدگاه ایشان از این جهت محل تأمل و نظر است که اولاً احتمال استفاده دشمن از سلاح اتمی و پدید آمدن شرایطی که اساس اسلام در خطر باشد، احتمال معتنا بهی است، و در مورد مستکبرانی که پیش‌تر نشان داده‌اند که از به کارگیری این سلاح‌ها در صورتی که منافعشان اقتضا کند، هیچ ابایی ندارند، احتمال پدید آمدن شرایط اضطرار، «کالمعدوم» نیست. ثانیاً این

۱. مواردی که احتمال وقوعش بسیار کم است، از نگاه عقلا کأن لم یکن تلقی می‌شود.

احتمال موجب می‌شود که به حکم آیه شریفه «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...» و تعلیل به کاررفته در ذیل آیه، تولید و انباشت این سلاح‌ها به خاطر لزوم آمادگی و تجهیز نظامی، و همچنین ترساندن کفار و جلوگیری از حمله احتمالی دشمن، واجب باشد (و نقش مهم انباشت این سلاح‌ها در پیش‌گیری از وقوع این خطرات احتمالی، غیرقابل انکار است)، درحالی که ظاهراً مقام معظم رهبری قائل به حرمت تولید و انباشت نیز هستند.

بنابراین به نظر می‌رسد قول به حرمت مقید این سلاح‌ها به فرض عدم اضطرار، و همچنین لزوم تولید و انباشت آنها با حفظ ضوابط امنیتی، دیدگاه صحیح در این زمینه خواهد بود.

نتیجه‌گیری

استفاده از سلاح کشتار جمعی به هنگام اضطرار و استفاده دشمن از آن علیه اجتماع اسلامی، و توقف نجات جامعه بر به کارگیری آن، به مقتضای ادله فقهی جایز است؛ و نظریه حرمت استفاده از این سلاح‌ها حتی به منظور مقابله به مثل، دیدگاه صحیحی نخواهد بود.

به مقتضای ادله مذکور در این نوشتار، و همچنین توجه به روح تعالیم اسلامی، و اهمیتی که جامعه اسلامی و حفظ کیان آن در نظر شارع مقدس دارد، و همچنین توجه به رهیافت تراکم ظنون، می‌توان با اطمینان، قول به جواز استفاده از این سلاح‌ها در صورت استفاده دشمن از آن، و انحصار نجات جامعه در به کارگیری آن را پذیرفت.

ثمره بحث: اگر در صورت اضطرار، قائل به جواز شدیم، تولید و انباشت این سلاح‌ها نیز جایز، بلکه واجب خواهد بود؛ و آیه شریفه «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» به اطلاقش، ظهور در جواز، بلکه لزوم تولید و انباشت سلاح کشتار جمعی، به منظور آمادگی نظامی، ارباب دشمن و پیشگیری از حمله احتمالی آنها دارد؛ که با حکم عقل به لزوم ترجیح مصلحت اهم، نیز همسو است.

از نتایج ثانویه این بررسی، لزوم رویکرد اجتماعی و حکومتی به فقه، بر پایه همان اصول فقه سنتی و جواهری است؛ به طوری که می توان مدعی شد نبود چنین رویکردی ممکن است لطمات جبران ناپذیری بر پیکره انقلاب اسلامی، و زمینه سازی برای تمدن نوین اسلامی و طلوع خوشید ولایت عظمی، وارد آورد.

فهرست منابع

* قرآن کریم

- افضل زاده، رضیه؛ رهبر، مهدی. (۱۳۹۶). به کارگیری سلاح کشتار جمعی از منظر فقه و حقوق بین الملل. مجله مبانی فقهی حقوق اسلامی، ش ۱۹، صص ۸۳-۱۰۴.
- امام خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۸۹/۰۱/۲۷). پیام به نخستین کنفرانس بین المللی خلع سلاح هسته‌ای و عدم اشاعه. برگرفته از سایت: <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=9171>.
- امام خمینی، سید روح الله. (۱۳۷۸). الرسائل العشره. قم: مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی علیه السلام.
- بجنوردی، حسن. (بی تا). منتهی الاصول (ج ۱). تهران: مؤسسه العروج.
- بهجت، محمد تقی. (۱۴۲۶ق). جامع المسائل (ج ۲). قم: دفتر معظم له.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه (ج ۱۱ و ۱۵). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- حسینی شیرازی، محمد. (۱۴۱۴ق). الفقه: القواعد الفقهیه (ج ۱). بیروت: الدار الثقافی الحسینی.
- حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۴ق). تذکره الفقهاء (ج ۹). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- خوئی، ابوالقاسم. (بی تا). مصباح الاصول (ج ۲). قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- راغب، حسین بن محمد. (بی تا). معجم مفردات الفاظ القرآن (به کوشش نذیم مرعشلی). بیروت: دار الكتاب العربی.
- ربانی، مهدی؛ روحانی، عباسعلی. (۱۳۹۹). بررسی ادله جواز یا حرمت تولید و انباشت سلاح‌های کشتار جمعی. مجله فقه و اصول، ش ۱۲۳، صص ۸۷-۱۰۷.
- روحانی، محمد صادق. (۱۳۸۲). زبدة الاصول (ج ۲). تهران: حدیث دل.
- صدر، سید محمد. (۱۴۲۷ق). المؤلفات الكاملة: ما وراء الفقه (ج ۱۱). بیروت: مؤسسه احیاء الكتب الاسلامیه.

صدر، محمدباقر. (بی تا). بحوث فی علم الاصول (مقرر: حسن عبدالساتر، ج ۶). بیروت: الدار الاسلامیه.

طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۲ و ۹). بیروت: مؤسسه اعلمی.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۹۹۵م). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (ج ۲ و ۴). بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.

طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۰ق). النهایة فی مجرد الفقه والفتاوی (ج ۱). بیروت: دار الکتب العربی.

طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن (ج ۵). بیروت: دار إحياء التراث العربی. عاملی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۴ق). حاشیة الارشاد (ج ۱). قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

عاملی، محمد بن مکی. (۱۳۸۸). الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (زین الدین عاملی مع حاشیة سلطان العلماء، ج ۱). قم: دارالتفسیر.

فاضل لنکرانی، محمد جواد. (۱۳۹۲). تولید و استفاده از سلاح های کشتار جمعی از دیدگاه فقه اسلامی. مجله حقوق اسلامی، ش ۳۹، صص ۷-۳۴.

فخرالمحققین، محمد بن حسن بن یوسف. (۱۳۸۷ق). ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد. قم: مؤسسه اسماعیلیان.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (ج ۵). تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مجلسی، محمدباقر. (۱۴۱۰ق). بحار الانوار (ج ۱۹). بیروت: مؤسسه الطبع و النشر.

مجلسی، محمدباقر. (بی تا). ملاذ الاخیار فی فهم تهذیب الاخبار (ج ۱). قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله.

محقق حلّی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ق). شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام (ج ۱). قم: مؤسسه اسماعیلیان.

محقق خوئی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۰ق). منهاج الصالحین (ج ۱). قم: نشر مدینه العلم.

- محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۸۷). قواعد الفقه ۴. تهران: نشر علوم اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۷). تفسیر نمونه. قم: دار الکتب الاسلامیه.
- نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴ق). جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام (ج ۱، ۲). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نوروزی، علیرضا؛ میردامادی، سید مجتبی و صفی‌خانی، ابراهیم. (۱۴۰۳). رشوه به منظور احقاق حق، نقد دیدگاه مشهور با رویکرد حکومتی به فقه. فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، شماره ۷۵، صص ۲۶۰-۲۸۰.
- وحید خراسانی، حسین. (۱۴۲۸ق). منهاج الصالحین (ج ۲). قم: مدرسه امام باقر علیه السلام.
- ولایی، عیسی. (۱۳۹۲). قواعد فقهی. قم: نشر اندیشه مولانا.

References

* The Holy Qur'an

- Afzalzadeh, R., & Rahbar, M. (2017). The use of weapons of mass destruction from the perspective of fiqh and international law. *Islamic Legal Foundations Journal*, (19), 83-104. [In Persian]
- Imam Khomeini, S. R. (1999). *Al-Rasa'il al-'Asharah*. Qom: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
- Bejnourdi, H. (n.d.). *Muntaha al-Usul* (Vol. 1). Tehran: Al-'Uruj Institute. [In Persian]
- Bahjat, M. T. (2005). *Jami' al-Masa'il* (Vol. 2). Qom: Office of Grand Ayatollah Bahjat. [In Arabic]
- Hor Amili, M. b. H. (1988). *Wasa'il al-Shi'a* (Vols. 11 & 15). Qom: Al al-Bayt Institute. [In Arabic]
- Hosseini Shirazi, M. (1993). *Al-Fiqh: Al-Qawa'id al-Fiqhiyyah* (Vol. 1). Beirut: Al-Dar Al-Thaqafah Al-Husayniyyah. [In Arabic]
- Hilli, H. b. Y. (1993). *Tadhkirat al-Fuqaha* (Vol. 9). Qom: Al al-Bayt Institute. [In Arabic]
- Khu'i, A. (n.d.). *Misbah al-Usul* (Vol. 2). Qom: Mu'asisah Ihya Athar al-Imam al-Khu'i. [In Arabic]
- Raghib, H. b. M. (n.d.). *Mu'jam Mufradat Alfaz al-Qur'an* (N. Mar'ashli, Ed.). Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic]
- Rabbani, M., & Rouhani, A. (2020). An analysis of the arguments for the permissibility or prohibition of the production and stockpiling of weapons of mass destruction. *Fiqh and Usul Journal*, (123), 87-107. [In Persian]
- Rouhani, M. S. (2003). *Zubdat al-Usul* (Vol. 2). Tehran: Hadith Del. [In Persian]
- Sadr, S. M. (2006). *Al-Mu'allafat al-Kamilah: Ma Wara' al-Fiqh* (Vol. 11). Beirut: Ihya al-Kutub al-Islamiyyah Institute. [In Arabic]
- Sadr, M. B. (n.d.). *Buhuth fi 'Ilm al-Usul* (H. Abdulsattar, Ed., Vol. 6). Beirut: Al-Dar al-Islamiyyah. [In Arabic]

- Tabatabai, S. M. H. (1970). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an* (Vols. 2 & 9). Beirut: Alami Institute. [In Arabic]
- Tabarsi, F. b. H. (1995). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an* (Vols. 2 & 4). Beirut: Alami Publishing Institute. [In Arabic]
- Tusi, M. b. H. (1980). *Al-Nihayah fi Mujarrad al-Fiqh wa al-Fatawa* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic]
- Tusi, M. b. H. (n.d.). *Al-Tibyan fi Tafsir al-Qur'an* (Vol. 5). Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
- Amili, Z. b. A. (1993). *Hashiyat al-Irshad* (Vol. 1). Qom: Islamic Propagation Office Publications. [In Arabic]
- Ameli, M. b. M. (2009). *Al-Rawdah al-Bahiyyah fi Sharh al-Lum'ah al-Dimashqiyyah* (with Hashiyah of Sultan al-'Ulama, Vol. 1). Qom: Dar al-Tafsir. [In Persian]
- Fazel Lankarani, M. J. (2013). The production and use of weapons of mass destruction from the perspective of Islamic fiqh. *Islamic Law Journal*, (39), 7-34. [In Persian]
- Fakhr al-Muhaqqiqin, M. b. H. b. Y. (1967). *Idah al-Fawa'id fi Sharh Mushkilat al-Qawa'id*. Qom: Isma'iliyan Institute. [In Arabic]
- Kulayni, M. b. Y. (1986). *Al-Kafi* (Vol. 5). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Arabic]
- Majlesi, M. B. (1990). *Bihar al-Anwar* (Vol. 19). Beirut: Institute for Printing and Publishing. [In Arabic]
- Majlesi, M. B. (n.d.). *Maladh al-Akhyar fi Fahm Tahdhib al-Akhbar* (Vol. 1). Qom: Ayatollah Mar'ashi Najafi Library Publications. [In Arabic]
- Muhaqqiq Hilli, J. b. H. (1988). *Sharayi' al-Islam fi Masa'il al-Halal wa al-Haram* (Vol. 1). Qom: Isma'iliyan Institute. [In Arabic]
- Muhaqqiq Khu'i, S. A. (1990). *Minhaj al-Salihin* (Vol. 1). Qom: Madinat al-'Ilm Publications. [In Arabic]

- Muhaqqiq Damad, S. M. (2008). *Qawa'id al-Fiqh* (Vol. 4). Tehran: Islamic Sciences Publishing. [In Persian]
- Makarem Shirazi, N. (2008). *Tafsir-e Nemuneh*. Qom: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Persian]
- Najafi, M. H. (1984). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Sharayi' al-Islam* (Vols. 1 & 2). Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
- Norouzi, A., Mirdamadi, S. M., & Safikhani, E. (2024). Bribery for asserting rights: A critical review of the dominant view with a governmental approach to fiqh. *Islamic Fiqh and Law Research Quarterly*, (75), 260–280. [In Persian]
- Vahid Khorasani, H. (2007). *Minhaj al-Salihin* (Vol. 2). Qom: Imam Baqir School. [In Arabic]
- Vala'i, I. (2013). *Qawa'id al-Fiqhiyyah*. Qom: Andisheh Molana Publishing. [In Persian]
- Imam Khamenei, S. A. (2010, April 16). Message to the first international conference on nuclear disarmament and non-proliferation. Retrieved from <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=9171>. [In Persian]